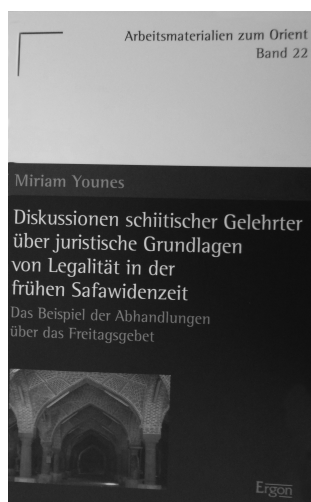




میریام یونس: ۱ مباحثات دانشمندان شیعه در باب مبانی
فقهی مرجعیت در اوایل دوره صفوی.
بررسی موردی: رساله‌های درباره نماز جمعه

بررسی و نقد: هانس گئورگ اِبرت^۲
ترجمه شهرام تقی‌زاده انصاری^۳

Miriam Younes. *Diskussionen
schiitischer Gelehrter über juristische
Grundlagen von Legalität in der frühen
Safawidenzeit. Das Beispiel der
Abhandlungen über das Freitagsgebet*
Würzburg: Ergon Verlag 2010.
140pp. ISBN: 978-3-89913-741-5
(Arbeitsmaterialien zum Orient, 22)

کتاب حاضر، تألیف میریام یونس، با عنوانی طولانی، درباره گفت‌وگوهای شیعی است در
قرن ۱۶م. که البته موضوعی است مهم که شامل مسائل معاصر نیز می‌شود. این
اثر درباره نقش دانشمندان شیعه در دولت و رابطه آن‌ها با دولت است و موضوع

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه Roskilde (دانمارک)، younes@ruc.dk.

2. Hans-Georg Ebert, in: *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen
Gesellschaft (ZDMG)*, Band 162, Heft 1 (2012): 225-226.

۳. پژوهشگر تاریخ اسلام‌شناسی در آلمان.



رساله فوق لیسانس مؤلف آن در دانشگاه فرایبورگ است. کتاب از منابع اصلی سه دانشمند اهل منطقه جبل عامل در جنوب لبنان سخن می‌گوید و به پرسش‌های کاربردی در باب فقه و مسلمات شیعی می‌پردازد. نویسنده علاوه بر استفاده از منابع دست اول به برخی از کتاب‌ها و رساله‌های دیگر نیز مراجعه کرده‌است (از آن میان می‌توان از ابی‌صعب، صفت‌گل، استوارت، و نیومن نام برد (نک: فهرست مفصل منابع، ص ۱۲۷-۱۳۵)، و آن‌ها را بررسی و نقد کرده‌است (به عنوان نمونه، نک: ص ۳۲ و ۳۳) بدون آن‌که بخواهد با این نقد و بررسی‌ها نظر خود را اثبات کند. کتاب شامل ۵ فصل است و با مقدمه‌ای درباره موضوع، وضعیت تحقیق، اهداف و روش‌ها (ص ۹-۲۴) شروع می‌شود. یونس بیشتر به مفهوم نظری «تاریخ فرهنگی جدید» می‌پردازد و نظرش این است که «تأثیر متقابل میان ایده‌های مطرح‌شده در یک متن و شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در آن‌ها این ایده‌ها بیان شده‌اند، مهم است...» (ص ۱۱۵). این دیدگاه امکان تحلیلی مرتبط، زمانی و تطبیقی از تفکرات شیعی را به وجود می‌آورد که به هیچ وجه نمی‌تواند از نظر وحدت موضوعی درک شوند. علاوه بر آن نشان داده می‌شود که مسائل بعدی، همچون درگیری اخباری- اصولی، پیش از آن در بحث‌های اولیه احتمالاً وجود داشته‌است.

فصل دوم کتاب (ص ۲۵-۴۶) چشم‌انداز کوتاه و مستدلی در باب برجستگی مجدد شیعه در سده ۱۶م ارائه می‌دهد. بدین ترتیب اعتقاد به تشیع به‌ویژه در میان نخبگان مرکز قدرت حفظ شده‌است (ص ۲۸). نزاع‌های میان صفویه و عثمانی (ص ۳۸-۳۹) و همچنین اختلافات سیاسی و مذهبی داخلی در هر دو حکومت توسط نویسنده به عنوان زمینه‌ای برای تأثیر و پویایی دانشمندان شرح داده شده‌اند. بدین ترتیب نویسنده توانسته‌است مسائل فقهی و کلامی بعدی را از نظر جامعه سیاسی تقسیم‌بندی کند. دانشمندی که یونس بررسی کرده‌است عبارتند از: عبدالعالی کرکی (د: ح ۹۴۰ه/ ۱۵۳۴م)، زین‌الدین عاملی (د: ۹۶۵ه/ ۱۵۵۸م) و حسین بن عبدالصمد (د: ۹۸۴ه/ ۱۵۷۶م) که رابطه میان زین‌الدین و عبدالصمد رابطه استادی و شاگردی بوده‌است (نک: ص ۵۳).

فصل سوم کتاب (ص ۴۷-۵۶) درباره زندگی و آثار این دانشمندان است و مقدمه‌ای برای فصل چهارم کتاب (ص ۵۷-۱۱۳) است. فصل چهارم از نظر کیفی قسمت اصلی کتاب محسوب می‌شود و شامل بحث‌های شیعی در باب نماز جمعه،

که نقطه ورودی تأملات اصولی در جهت یابی جامعه شیعی است، می شود. در قسمت اول فصل چهارم (ص ۵۷-۶۴) دیدگاه شیعی موجود تا آن زمان در باب نماز جمعه تحلیل می شود و از ارتباط آن با نمایندگی امام غایب (ع) سخن به میان می آید و رابطه تنگاتنگ میان نماز جمعه و مشکل نمایندگی در توضیحات دانشمندان ذکر شده نشان داده می شود. اساس تحقیقات نظری کرکی در این مورد در رساله فی صلاة الجمعة دیده می شود (ص ۶۴ به بعد). فقیه با در نظر گرفتن قرآن، سنت و اصل «استصحاب» به این نتیجه رسیده که نماز جمعه وظیفه ای فردی («واجب عینی») نیست، بلکه وظیفه ای قابل جانشین شدن («وجوب تخییری») است. امکان دارد که اصطلاح «وظیفه انتخابی» در این مورد قابل فهم تر باشد، چون مسأله بر سر امکان انتخاب میان نماز ظهر و نماز جمعه است (ص ۷۱). با تکیه بر عقاید دانشمندان گذشته و با بهره گیری از سنت و توافق، کرکی بر این عقیده است که امام باید توسط «النیابة العامة» تعیین شود (ص ۷۵). در بخش سوم از فصل چهارم نظریه زین الدین بررسی شده است (ص ۷۸-۹۳). زین الدین به عکس کرکی، نماز جمعه را وظیفه ای فردی («واجب عینی») می داند. شاگرد او، حسین بن عبدالصمد، هم در کتابش به نام العقد الحسینی پیرو همین نظریه است (ص ۹۳-۱۰۰). نویسندگان در بخش پنجم از فصل چهارم محتوا و روش های این سه رساله را بیان می کند (ص ۱۰۰-۱۱۳). ما در این جا به نتیجه ای جالب می رسیم، به خصوص که با توجه به نقش «اجماع»، دیدگاه های گوناگون روشن می شوند (ص ۱۱۲). در صفحه ۱۱۲ دقیقاً آمده است: «در این جا هم [منظور رساله حسین بن عبدالصمد است] مثل استادش زین الدین، از یک طرف، ادعای شیعه روشن می شود، و هم زمان عقیده امتناع مرجعیت کامل فقیه شیعی بیان می شود». نویسندگان در ضمیمه آخر (فصل پنجم، ص ۱۱۵-۱۲۶) اشاره به نظر مخصوص فقهای جبل عامل در مورد فقه شیعی می کنند (ص ۱۱۲). طرح های اهل سنت نیز بدین طریق وارد شده است. نویسندگان با تکیه بر نظریات استوارت (قس: ص ۱۷) در عقاید این فقیه، میل به «عقاید اصولی ها» را شناخته است (ص ۱۲۲)؛ این عقیده ای است که انسان نباید حتماً از آن پیروی کند.

از این کتاب می توان هم در تحقیقات مربوط به تاریخ تشیع و هم فقه شیعی استفاده کرد. نویسندگان در یک مسأله به ظاهر فرعی، اصول اساسی فقه شیعه را مطرح کرده است. خواننده کتاب دست کم در چهار جای کتاب می فهمد که رساله

زین‌الدین حدود پنجاه سال بعد از نوشته‌ی کرکی در این مورد نوشته است (ص ۷۸، ۱۰۶، ۱۰۹ و ۱۱۹).

اشتباهات کمی نیز در کتاب دیده می‌شود، برای مثال (ص ۵۴، به جای کرکی، کرکه نوشته شده است) و در واژه‌نامه قابل استفاده کتاب (ص ۱۳۷-۱۴۰) نیز خطایی به چشم می‌خورد (قس: ص ۴۳ و جاهای دیگر). در مجموع، کتاب تأثیر مثبتی برای خوانندگان دارد. کتاب سهم مهمی در مجموعه «مواد کار برای شرق» دارد.

فصلنامه نقد کتاب

ایران و اسلام

سال اول، شماره ۳ و ۴

پاییز و زمستان ۱۳۹۳

